

زن در شاهنامه

«در شاهنامه فرّ و بزرگی از مادر هم منتقل می‌شود. ایرج پسر فریدون دختری داشت که منوچهر، شاه ایران، پسر او بود. مادر فرود یعنی جریره به فرود می‌گوید:

نژاد تو از مادر و از پدر
همه تاجدار و همه نامور

ج 4، داستان فرود / ب 473

در رستم و اسفندیار هر دو پهلوان به نژاد مادری خود فخر می‌کنند، رستم بعد از فخر به نسب پدری خود گوید:

همان مادرم دخت مهرباب بود
بدو کشور هند شاداب بود
که ضحاک بودیش پنجم پدر
ز شاهان گیتی برآورده سر
نژادی از این نامورتر کراست؟
خردمند گردن نییچد ز رسات

ج 6، داستان رستم و اسفندیار / ب 660

اسفندیار هم می‌گوید:

همان مادرم دختر قیصر است
کجا بر سر رومیان افسر است
همان قیصر از سلم دارد نژاد
ز تخم فریدون با فرّ و داد
همان سلم پور فریدون گرد
که از خسروان نام شاهی ببرد

همان / ب 694

یکی از دلایلی که برکنارکننده شاه با دختر او ازدواج می‌کرد همین بود تا مشروعیت بیابد و فرزند او صاحب فرّ باشد، چنان‌که اردشیر بابکان با دختر اردوان ازدواج کرد. در جانشینی داریوش کبیر دو نفر نامزد بودند یکی آرتوبازانس پسر بزرگ که از زنی معمولی بود و دیگر خشایارشا پسر کوچک‌تر که مادرش آتوسا دختر کوروش بود و لذا خون هخامنشی داشت و به همین سبب او را برگزیدند. البته هرودت این‌گونه استدلال می‌کند که خشایارشا پسر دوران شاهی بود اما آرتوبازانس فرزند دوران قبل از شاهی داریوش بود. «ادی» در آیین شهریاری در شرق، این سخن را درست نمی‌داند. باری زنان هم به شاهی و شهریاری می‌رسیدند. گردیه خواهر بهرام چوبینه بعد از مرگ برادر، سالار سپاه می‌شود و همه از او فرمان می‌برند:

به ایران و چین پشت و بازو تویی

بدو گفت هر کس که بانو تویی

یلان را به مردی توی رهنمای

نجنباندت کوه آهن ز جای

ز دستور داننده هشیارتر

ز مرد خردمند بیدارتر

بر این آرزو رای و پیمان تراست

همه کهترانیم و فرمان تراست

ج 9، پادشاهی خسرو پرویز / ب 2781 به بعد

زنان به مقامات بالای مذهبی هم می‌رسیده‌اند. یکی از آثار کلامی که از عصر ساسانیان باقی مانده، مباحثه آذرهمزد و بانو آناهید با موبد موبدان آذر فرازگرد است. این دو از دین زردشتی برگشته و عیسوی شده بودند. (زروان در قلمرو دین و اساطیر ص 36) ص 16

فر از طریق فرانک یعنی مادر فریدون به او منتقل می‌شود: در بندهشن آمده که فرّه فریدون در دریای فراخکرد به نی بن نشست. و درگا به جادویی گاوی آنجا رها کرد، بدانجا شد. یک سال آنجا نی درود، به گاو داد تا فرّه به گاو شد. گاو را آورد، شیر دوشید، به سه پسری که او را بود داد... فرّه به پسران نه، بلکه به فرانک شد.

زن در دین زردشتی شریف است و مقام والایی دارد اما در تفکر زروانی و مانوی از عناصر شرّ بوده است. این دیدگاه منفی هم در شاهنامه دیده می‌شود. اما به طور کلی از زنان ستایش شده است: ص 16

یکی گنج باشد پراکنده زن

اگر پارسا باشد و رای زن

فروهشته تا پای مشکین کمند

به ویژه که باشد به بالا بلند

سخن گفتنش خوب و آوای نرم

خردمند و هشیار و با رای و شرم

ج 8، پادشاهی کسرا نوشین‌روان / ب 732 به بعد

باری در شاهنامه هم مثل هر متن قرون وسطایی دیگر در مورد زنان سخنان منفی هست:

کفن بهتر او را ز فرمان زن

کسی کو بود مهتر انجمن

خجسته زنی کو ز مادر نژاد

سیاوش به گفتار زن شد به باد

ج 3، داستان سیاوش / ب 2617 (ص 16)

(شاه نامه ها، صص 14-19)

البته ابیاتی هم به فردوسی نسبت داده می‌شود که در چاپ‌های کهن شاهنامه نیست و تنها در نسخ غیرمعتبر و متاخر دیده می‌شود. بیت دیگری که در نسخ کهن شاهنامه نیست و احتمالا در قرون نهم و دهم وارد شاهنامه شده است، این است:

زنان را ستایی سگان را ستای
که یک سگ به از صد زن پارسای

سبک این بیت، سبک ابیات شاهنامه نیست، اما جامی شاعر قرن نهم در سلامان و ابدال (حکایت سلیمان و بلقیس) آن را از فردوسی دانسته است:

خواجه فردوسی که دانی بخردش
بر زن نیک است نفرین بدش

افراسیاب در داستان بیژن و منیژه می‌گوید:

کرا از پس پرده دختر بود
اگر تاج دارد بداختر بود

سنایی شاعر قرن ششم در حدیقه به این بیت اشاره کرده است و لذا در نسخ کهن شاهنامه وجود داشته است:

چه نکو گفت آن بزرگ استاد
که وی افکند شعر را بنیاد

کان که را دختر است جای پسر
گر چه شاه است هست بداختر

آن‌طور که از کتاب «داریوش و ایرانیان» برمی‌آید زنان در دوره هخامنشی به سبک شرقی تحت پوشش و حفاظت مردان بودند. چندهمسری مرسوم بود. هرودت می‌نویسد: زنان در پارس به ترتیب نزد شوهران‌شان می‌آیند، یعنی هر شب به نوبت.» در دوره ساسانیان هم چندهمسری مرسوم بود و مخصوصا شاهان زنان متعدد داشتند. «**شاه نامه‌ها صص 18-**

19

دوکدان و جامه زنان فرستادن خسرو برای بهرام چوبینه نیز از دیگر محتوای شاهنامه است که زنان را از جنسی فرودست نشان می‌دهد که لباس‌شان مایه تحقیر است برای مردان.

اما در شاهنامه بعضا می‌بینیم که زن همه‌کاره است؛ یا آب آوردن مربوط به زن است. زن علاوه بر اینکه به زندگی و حیات مربوط است در جوامع کهن کشاورزی نقشی مهمتر از مرد داشت. در واقع زن کشاورز همه‌کاره بود و خانواده را می‌پرچاند. (**شاه نامه‌ها صص 668-669**)

منبع: کتاب «شاه نامه‌ها» اثر دکتر سیروس شمیسا